

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال نهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۵ - شماره پیاپی ۳۳

معرفی احمد بن موسی رشتی استادی و بررسی سبک «شرح گلشن راز» وی

(ص ۲۴۳-۲۲۵)

احمد امیری خراسانی<sup>۱</sup>، محمّد رضا صرفی<sup>۲</sup>، فیروز مردانی (نویسندهٔ مسئول)<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

#### چکیده :

احمد بن موسی رشتی استادی از شخصیت‌های عرفانی و ادبی سدهٔ نهم هجری و از مشایخ وابسته به حوزهٔ تصوف آذربایجان به شمار می‌رود. آثار برجای مانده از وی عبارتند از: شرح گلشن راز، شرح جام جهان‌نمای مغربی و شرح ترجیع‌بند اوحدالدین کرمانی. شرح او بر گلشن راز شبستری یکی از قدیم‌ترین شروح آن منظومهٔ حکمی و عرفانی است. متأسفانه هیچ یک از منابع در دسترس دربارهٔ زندگی، آثار و اندیشه‌های او سخنی به میان نیاورده‌اند. از این روی شخصیت و آثار وی ناشناخته مانده است. این نوشتار بر آن است که ضمن معرفی اجمالی احمد بن موسی و آثارش، به بررسی ویژگی‌های سبکی و محتوایی مهم‌ترین اثر او، شرح گلشن راز، در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بپردازد و جایگاه آن را در میان متون نثر صوفیانهٔ فارسی مورد ارزیابی قرار دهد. پس از بررسی‌های انجام شده، می‌توان گفت نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از یکنواختی شیوهٔ نگارش، سادگی عبارات نثر و تنوع در بیان معانی ابیات شبستری است که با بهره‌گیری از آیات، احادیث، اصطلاحات عرفانی، کلامی، فلسفی، نجومی، حکایات و اقوال صوفیان و با استفاده از مفردات و ترکیبات عربی، تداوم سنت شرح نویسی بر آثار عرفانی به سبک قدما در این اثر تحقق یافته است.

**کلمات کلیدی:** شرح گلشن راز، احمد بن موسی رشتی استادی، نسخهٔ خطی، ویژگی‌های سبکی.

a.amiri@gmail.com

<sup>۱</sup> - استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

mohammadreza\_seyrafi@yahoo.com

<sup>۲</sup> - استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

mardani@iaukhsh.ac.ir

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی

## ۱ - مقدمه:

شیخ سعدالدین محمود شبستری از عارفان بزرگ قرن هفتم و هشتم هجری است. او در اواخر سده هفتم در شبستر دیده به جهان گشود و در محیط خانقاهی شبستر و تبریز پرورش یافت و از تعالیم مشایخ صوفی و واعظان آن دیار بهره‌مند گشت. (ر.ک. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۲، ص ۷۶۳؛ از سعدی تا جامی ص ۱۸۶؛ ریاض‌العارفین، ص ۲۲۱؛ جستجو در تصوف ایران، ص ۳۱۸؛ تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۱، ص ۱۶۹). وی علاوه بر تحصیل علوم ظاهر و دانش تصوف در تبریز، سفرهای زیادی نیز به سرزمینهای مصر، شام، حجاز و غیره داشته و در طول این سفرها از محضر دانشمندان و عارفان و از مصاحبت با آنان توشه‌ها برگرفته است. چنانکه خود در سعادت نامه میگوید:

مدتی من ز عمر خویش مدید	صرف کردم به دانش توحید
در سفرها به مصر و شام و حجاز	کردم ای دوست روز و شب تک و تاز
جمع کردم بسی کلام غریب	کردم آنگه مصنفات عجیب
از فتوحات و از فصوص حکم	هیچ نگذاشتم ز بیبش و ز کم...

(سعادت نامه، مجموعه آثار شیخ محمود شبستری، ص ۱۶۸)

شیخ محمود در تصوف و عقاید عرفانی تحت تأثیر تعالیم محی‌الدین ابن عربی و پیرو تصوف حکیمانه (توجیه عقلانی پدیده‌ها و یافته‌های شهودی عارفان و برهانی کردن آنها به مدد عقل و نقل) بوده‌است. چنانکه گذشت او در سعادت نامه اشاره میکند که مدتی از عمر خود را در مطالعه آثار محیی‌الدین ابن عربی از جمله فتوحات مکّیه و فصوص‌الحکم سپری کرده و در آن به تبخّر رسیده‌است. (نیز ر.ک. سیری در تصوف آذربایجان، صمد موحد، ص ۲۲۵-۲۲۶) اکثر تذکره نویسان وفات او را در سال ۷۲۰ هجری نوشته‌اند. (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۲، ص ۷۶۴؛ آتشکده آذر، ج ۱، حاشیه ص ۱۳۸؛ تذکره هفت اقلیم، ج ۲، ص ۱۳۷۵) اما وجود قرآینی نشان می‌دهد که وفات شیخ محمود در حدود سال ۷۴۰ هجری اتفاق افتاده‌است. (ر.ک. روضات الجنان و جنات الجنان، ج ۲، ص ۹۱-۹۲؛ سفینه تبریز، ص ۷۳۳)

مثنوی گلشن‌راز مهمترین اثر شیخ محمود شبستری و زبده تألیفات اوست که در بحر هزج و حدود هزار بیت است. شبستری این منظومه را در جواب هفده سؤال منظوم امیرحسینی هروی از عرفای خراسان در مباحث عرفان نظری سروده‌است. شیخ محمود به اشارت استاد خود شیخ بهاء‌الدین یعقوب تبریزی فی المجلس هر بیت هروی را با بیتی جواب گفته، باز میفرستد و پس از آن بر ابیات و جوابهای مجمل خود بیتهایی نیز افزوده، منظومه گلشن راز را به وجود می‌آورد. وی تاریخ وصول سؤالات مذکور را که در حقیقت تاریخ آغاز منظومه گلشن راز نیز هست، شوال ۷۱۷ هجری ذکر کرده‌است. (گلشن راز، مجموعه آثار شبستری، ص ۶۸-۶۹؛ نیز ر.ک. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳،

ب ۲، ص ۷۶۴) همچنین ماده تاریخ پایان نظم گلشن راز در آخرین مصراع آن منظومه به صورت «الهی عاقبت محمود» آمده است که به حساب جُمَل برابر با ۷۱۷ می‌باشد. (ارغنون، حاشیه ص ۱۲۳)

این منظومه به سبب سادگی، ایجاز، داشتن جنبه تمثیلی و اشتغال بر مباحث عمیق عرفانی به عنوان گنجینه‌ای از حکمت صوفیانه از زمان سرایش مورد توجه دانشمندان، عارفان و شاعران قرار گرفت. به طوری که تا کنون قریب پنجاه شرح و ترجمه و نظیره بر آن نوشته و سروده شده است. (ر.ک. شروح گلشن راز، ص ۵۳-۱۲۴) از جمله آن شروح میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

شرح صابن الدین علی بن محمد ترکه اصفهانی (قرن ۹)، نسائم گلشن از نظام الدین محمود حسینی شیرازی معروف به نظام الدین داعی (۸۱۰-۸۷۰ ق.)، شرح الهی اردبیلی اثر کمال الدین حسین بن شرف الدین عبدالحق اردبیلی متخلص به «الهی» (متوفی ۹۵۰) و حدیقه المعارف از شجاع الدین کربالی (قرن ۹). (دانشمندان آذربایجان، ص ۳۳۶-۳۳۸؛ نیز ر.ک. شروح گلشن راز، ص ۵۳-۱۲۴؛ سخنوران آذربایجان، ج ۱، ص ۱۶۲-۱۷۳؛ کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۵۰۵-۱۵۰۶ و ص ۲۰۴۳).

شرح احمد ابن موسی رشتی استادی یکی از قدیمترین شروح است که در نیمه اول قرن نهم هجری (سال ۸۴۴) به نگارش درآمده است. این شرح در قیاس با شرح لاهیجی موسوم به مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز که در سال ۸۷۷ هجری آغاز گردیده و پیش از سال ۹۰۰ ه.ق. به انجام رسیده، حجم کمتری دارد.

**پرسش اصلی/** این پژوهش آن است که عناصر سبکی پدید آورنده اثر یادشده در چه مواردی خلاصه میشود و این کتاب چه جایگاهی در میان آثار منثور صوفیانه دارد؟

**پیشینه تحقیق:** تاکنون درباره احوال و آثار رشتی استادی پژوهشی صورت نگرفته و هیچ یک از تألیفات او نیز به چاپ نرسیده است. از آنجاکه مهمترین اثر استادی شرح گلشن راز است، شاید بتوان علت گمنامی او و معرفی نگردیدن و تصحیح نشدن شرح او را شهرت مفاتیح الاعجاز لاهیجی به عنوان مهمترین و کاملترین شرح گلشن راز در میان صاحب نظران و پژوهشگران دانست که بر تمامی تحقیقات در حوزه گلشن راز سلبه افکنده است.

**ضرورت انجام پژوهش،** گمنام بودن احمد بن موسی رشتی استادی و شرح وی بر گلشن راز و اهمیت آثار او در ادب عرفانی فارسی است که شهرت و جایگاه ویژه گلشن راز شبستری در ادبیات عرفانی فارسی بر این ضرورت تأکید می‌ورزد.

**اهداف پژوهش:** معرفی مشارالیه به عنوان یکی از بزرگان عرفان و تصوف اسلامی سده نهم هجری و بررسی جایگاه او در عرفان و ادب فارسی است و نیز زدودن گرد فراموشی از چهره یکی دیگر از آثار ماندگار میراث مکتوب در زمینه عرفان و ادب تعلیمی فارسی با شناسایی نسخه‌های خطی قابل دسترس آن و بررسی محتوایی و سبکی آن.

### ۱-۱- احوال و آثار احمد بن موسی رشتی استادی:

از احوال و آثار احمد بن موسی رشتی استادی در هیچ یک از منابع در دسترس و مورد مراجعه نگارندگان، اعم از تذکره‌ها، کتب اعلام و رجال، کتابهای تاریخ ادبیات و منابع تاریخ تصوّف و عرفان اسلامی مربوط به قرن نهم هجری و پس از آن ذکری به میان نیامده است. تنها آگاهی مختصری که درباره وی میتوان به دست داد، منحصر به اظهارات خود اوست که در مقدمه شرح بر رساله جام جهان‌نمای مغربی تبریزی مشهور به شمس مغربی (متوفی ۸۰۹) آورده است، که بخشهایی از آن در اینجا نقل میشود: «روزی از روزهای گذشته در تاریخ سنهٔ عشرين ثمان مائه برسبیل سیاحت گذری به دیار آذربایجان به شهر مبارک تبریز حمیت عن الحدیث افتادیم و به مدرسهٔ شبخیه ساکن شدیم. چندی از طلبهٔ آشنا و بیگانه نزد این فقیر حقیر، اعنی احمد بن موسی الرشتی الاستادی<sup>۱</sup> تردّد میکردند و به خواندن این کتاب مشغول بودند و اما ندانستند... و در کمرهٔ آخری درس سنهٔ خمسین و ثمان مائه گذار باز به شهر تبریز افتاد و به مدرسه نزل شد و جمعی از مریدان مولانا مرحوم [مغربی] بودند و... الغرض از آن جمله یکی کمال الدین یوسف بود المشهور به میرشکّی ادام الله توفیقه و زادعه. اتفاق صحبت شریف افتاد و ازین فقیر درخواست کرد که به مدرسه جای درویشان نیست و خود منسوب به درویشی بودند...» (شرح گلشن راز، نسخهٔ ۲۲۶۱ کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ورق ۲۴۸ ب- ۲۴۹)

مؤلفان فهرستهای نسخ خطی نیز در فهرستهای خود ذیل «شرح جام جهان‌نمای مغربی، به قلم احمد بن موسی رشتی استادی»، همین مطالب را با کمی دخل و تصرف از مقدمهٔ شرح مذکور نقل کرده‌اند. (ر.ک. فهرست میکروفیلمهای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱ ص ۶۶۱؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲ ب ۱، ص ۱۲۲۵؛ فهرستوارهٔ کتابهای فارسی، ج ۷ ب ۱، ص ۲۵۳-۲۵۴) دانش پژوه در فهرست میکروفیلمهای کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران ضمن معرفی نسخهٔ شرح گلشن راز اثر احمد بن موسی، مندرج در مجموعهٔ خطی شمارهٔ ۲۲۶۱ (ورق ۱۲۲ پ- ۲۴۸ ر)، آن را ساخته (نوشته) ۸۰۴ هجری و تألیف احمد بن موسی جبالی! میداند و از «رشتی استادی» ذکری به میان نمی‌آورد و مینویسد: «چلبی (۲: ۴۹۲) از تعلیقهٔ احمد بن موسی جبالی بر مقاصد تفتازانی یاد کرده است». عیناً همین مطلب در فهرست فنخا (ج ۲۰، ص ۵۹۵) نیز نقل گردیده است.

دربارهٔ نوشتهٔ منقول باید گفت که احمد بن موسی در ترقیمهٔ شرح خود به انجام یافتن آن در سال ۸۴۴ ه.ق. تصریح نموده که بخشی از آن ترقیمه یا انجامه چنین است:

«نوشتم شرح گلشن در حوضش	که بودم از حوضش غرق نورش
نمی‌دانم کسی ساکن کدام است	که او را اندرین عالم چه نام است
نمی‌گویم لقب، مخفی گذارم	ولی تاریخ و اسم خود بیارم

<sup>۱</sup> - متأسفانه آثار یا مطالب دیگری از مؤلف که گویای سبب اشتها او به رشتی استادی باشد، در دست نیست.

زهجرت بود اینجا هشتصد و چار      چهل سالش دگر با او به هم یار  
 بگفتم شرح و تاریخش به یک بار      که هستم احمد موسی به گفتار  
 به ختم انبیا و ختم قرآن      که ختم کار ما با خیر گردان»  
 (شرح گلشن راز، نسخه ۲۲۵۷ ملک، ص ۲۸۸-۲۸۹؛ نیز ر.ک. ترقیمه نسخ ۲۲۶۱ دانشگاه؛  
 ۱۲۰۲ مجلس؛ ۱۱۸۹ علامه؛ ۱۰۰۴۶ مجلس؛ شروع گلشن راز، ص ۵۸).

نکته دیگر این که در کتاب کشف الظنون (اثر کاتب چلبی معروف به حاجی خلیفه) و سایر منابع از فردی به نام احمد بن موسی جبالی ذکری به میان نیامده است؛ بلکه درج ۲، (ص ۱۷۸۰-۱۷۸۱) همان منبع، ذیل المقاصد فی علم الکلام اثر علامه سعدالدین مسعود بن عمر تفتازانی (متوفی ۷۹۱) چنین آمده است: «وعلیه تعلیقه للمولی احمد بن موسی الخیالی ذکره المجدی فی ذیله». همچنین در هدیه العارفین (ج ۱، ص ۱۳۲) نیز از احمد بن موسی خیالی رومی حنفی یاد شده که در سال ۸۷۰ هجری وفات یافته و از تألیفات او حاشیه شرح تجرید العقاید سید شریف، حاشیه شرح وقایع صدر الشریعه، حاشیه شرح السعد بالعقاید نسفیه و شرح قصیده نوبیه خضربک در علم کلام را میتوان نام برد. وی از علما و متکلمان معاصر سلطان محمد عثمانی و شاگرد خضربک به شمار آمده و عمده تحصیلات او در نحو زبان عربی بوده و اشعاری نیز به عربی دارد. منابع مختلف تاریخ وفات او را بین سالهای ۸۷۰ تا ۸۷۶ هجری نوشته اند. (نیز ر.ک. مؤلفین کتب فارسی و عربی، ج ۱، ص ۳۸۷؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۴۷ و ج ۲، ص ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۳۴۸، ۱۷۸۱، ۲۰۲۳؛ الاعلام زرکلی، ج ۱، ص ۲۴۷؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۱۸۷-۱۸۸؛ معجم المطبوعات، ج ۱، ص ۸۵۲؛ تسامحات ادبی، ص ۵۳؛ لغتنامه، ذیل احمد بن موسی خیالی). شاید التباس دو شخصیت احمد بن موسی رشتی استادی و احمد بن موسی خیالی که در فهرست میکروفیلمهای مذکور به خطا جبالی ضبط شده، از آنجا ناشی شده باشد که علاوه بر تشابه اسمی میان آنها، هر دو تن از علمای قرن نهم بوده اند.

در فهرستها و مراجع دیگر مانند کتابهای دانشمندان آذربایجان و سخنوران آذربایجان نیز مطلبی که بیانگر زندگی و اندیشه شارح مورد نظر ما باشد، وجود ندارد، بلکه تنها به ذکر این نکته اکتفا کرده اند که شرح احمد بن موسی رشتی استادی بر گلشن راز به سال ۸۴۴ هجری انجام یافته است.

سعید نفیسی در شرح احوال مولانا محمد شیرین مغربی، مشهور به شمس مغربی (متوفی ۸۰۹) در ضمن معرفی رساله جام جهان نمای او، از شرح متعددی که بر آن نوشته شده، یاد میکند و در آنجا وجه الدین علوی و احمد بن موسی رشتی استادی را دوتن از شاگردان مغربی میداند که هر کدام شرحی بر رساله جام جهان نمای وی نوشته اند. (ر.ک. تاریخ نظم و نثر در ایران، ج ۲، ص ۷۶۳) همچنین لئونارد لویزن احمد بن موسی و عبدالرحیم خلوتی معروف به مشرقی تبریزی (متوفی ۸۵۹) را دوتن از مهمترین مریدان شمس مغربی بر شمرده است. (فراسوی ایمان و کفر، ص ۱۷۱؛ نیز ر.ک. دیوان مغربی، مقدمه مصحح، ص ۱۵)

چنانکه از مطالب یادشده برمیآید، احمد بن موسی رشتی استادی از مشایخ صوفیه و علمای قرن نهم هجری بوده؛ اما تاریخ ولادت و وفات او برای ما معلوم نیست. آنچه مسلم است وی از شاگردان شمس مغربی و از شارحان آثار و پیروان اندیشه‌های او بوده و از طریق آثار و سخنان مغربی و با مطالعه کتابها و رساله‌های کسانی چون صدرالدین قونوی، فخرالدین عراقی و دیگران بافکار و آراء شیخ محیی‌الدین ابن عربی آشنایی یافته و همان گونه که در شرح وی بر گلشن‌راز و آثار دیگرش مانند شرح جام جهان‌نمای مغربی و شرحی که بر ترجیع بند اوحدالدین کرمانی نوشته، ملاحظه می‌گردد، اشارات متعددی به شیخ اکبر نموده و سخنان و اشعار ابن عربی و پیروان او را نقل کرده‌است. علاوه بر این، رد پای نظام فکری و طریقه سلوک ابن عربی را در سخنان خود احمد بن موسی نیز به وضوح می‌توان ملاحظه کرد. نکته در خور یادآوری این که بر پایه گفتار جامی در نفحات الانس (ص ۶۱۱) وفات مغربی در سال ۸۰۹ هـ. ق. اتفاق افتاده و استادی که از شاگردان وی بوده، شرح گلشن‌راز را در سال ۸۴۴ هـ. ق. به پایان رسانیده‌است و از این موضوع چنین استنباط می‌گردد که احمد رشتی کتاب خود را در دوران کمال و پختگی عمرش تألیف نموده‌است.

احمد بن موسی مذهب اهل سنت و جماعت داشته و در شرح خود بر گلشن‌راز شبستری به این امر تصریح نموده‌است: «چنین گفته‌اند که مذهب هفتاد و دویست است و به غیر مذهب اهل سنت و جماعت، دیگر همه فاسد است، به سبب آنکه هیچ کدام مرید و شاگرد مشایخ نیستند.» (شرح گلشن‌راز، نسخه ۲۲۵۷ ملک، ص ۳۷) و نیز در جای جای اثر خود هنگام ذکر نام پیامبر اسلام (ص)، مطابق روال نویسندگان اهل سنت، عبارت «علیه السلام» را برای او به کار می‌برد. (ر.ک. همان، ص ۳، ۵، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۲۵ و...) و در مواضع گوناگون اثر خود سخنانی از حضرت علی (ع) نقل می‌کند و از او با عباراتی چون «امیر کرم‌الله و جبهه»، «قال علی علیه‌الرحمه»، «امیر المؤمنین علی کرم‌الله و جبهه» و «حضرت امام کرم‌الله و جبهه» یاد می‌کند که عبارات مذکور نیز بیانگر اعتقاد وی بر مذهب اهل سنت است. (ر.ک. همان، ص ۲۸، ۳۱، ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۵۴، ۱۸۹، ۱۹۵)

بر پایه اطلاعات به دست آمده از فهرستهای نسخ خطی، آثار رشتی استادی علاوه بر شرح گلشن‌راز، عبارتند از:

**الف) شرح جام جهان‌نمای شمس مغربی:** از این شرح دونسخه خطی شناسایی شده‌است که میکروفیلم یکی از آنها ضمن مجموعه شماره ۲۲۶۱ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و دیگری ضمن مجموعه خطی شماره ۱۰۰۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود.

شایان ذکر است که هر دو مجموعه خطی ذکرشده، شرح گلشن‌راز شبستری و شرح جام جهان‌نمای مغربی هر دو از احمد بن موسی رشتی استادی و رساله‌های لمحات فی شرح‌اللمعات اثر یارعلی شیرازی و بستان‌القلوب شهاب‌الدین سهروردی را در برمیگیرند که با بررسیهای دقیق درمی‌یابیم هر دو مجموعه در حکم واحد است.

ب) شرح ترجیع بند اوحدالدین کرمانی: میکروفیلم نسخه‌ای از این شرح در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران جزو مجموعه شماره ۱۱۴۲ نگهداری میشود و نسخه اصلی آن در کتابخانه بادلیان آکسفورد به شماره ۹۴ والکر (ش ۱۲۹۸) نگهداری میشود. (فهرست میکروفیلمها، ج ۱، ص ۵۶۸ و ۶۶۱؛ نیزر.ک. فهرستوار کتابهای فارسی، ج ۷، ب ۱، ص ۵۳۴). سرآغاز ترجیع بند اوحدی چنین است:

در خرابات عاشقان کویی است و اندر آن خانه یک پری رویی است

نسخه دیگری از این رساله در لاهور پنجاب در کتابخانه پبلک لائبریری (public library) به شماره ۸۹، ۸۷۸ نگهداری میشود. (فهرست مشترک پاکستان، ج ۳، ص ۱۵۸۸)

#### ۱-۲- معرفی نسخه های خطی شرح گلشن راز:

از این کتاب احمد بن موسی رشتی استادی هفت نسخه با مشخصات زیر شناسایی شده است:

۱- نسخه شماره ۲۲۵۷ کتابخانه وموزه ملی ملک، دارای خط نستعلیق خوانا، بدون ذکر نام کاتب، تاریخ کتابت: ۸۴۴ هـ. ق. دارای عنوان و نشان سنگرف، کاغذ فستقی استامبولی، جلد: میشن آلبالویی، ۱۴۶ برگ، ۱۵ و ۱۷ سطری، دارای ترقیمه شارح و کاتب.

۲- نسخه شماره ۱۲۰۲ متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دارای خط نستعلیق تحریری خوش، کاتب: محمد زمان بن میر سیدعلی بن میر کل ... کلانی، تاریخ کتابت: ۱۰۴۸ هـ. ق.، کاغذ اصفهانی شگری، جلد: کاغذی سبز، دارای ۲۳۱ صفحه، ۱۶ سطری، دارای عنوانها و نشانه‌های سرنج، از آغاز افتادگی دارد.

۳- میکروفیلم شماره ۲۲۶۱، متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دارای خط نستعلیق خوش، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: ۸۸۴ هـ. ق.، کاغذ سمرقندی نخودی، جلد: تیماج مشکی، ۱۲۶ برگ (۱۲۲ پ-۲۴۸)، ۱۶ سطری، عناوین و نشانه‌های متن با سنگرف است، از آغاز افتادگی دارد.

۴- نسخه شماره ۱۰۰۴۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، دارای خط نستعلیق خوش، بدون ذکر نام کاتب، تاریخ کتابت: ۸۸۴ هـ. ق.، جلد: تیماج سبز، ۱۲۶ برگ، ۱۶ سطری، دارای عناوین و نشانه‌های سنگرف، از آغاز افتادگی دارد.

در فهرستهای دنا (ج ۶، ص ۱۰۲۳) و فنخا (ج ۲۰، ص ۵۹۵) تاریخ کتابت این نسخه ۸۸۲ ق. نقل شده، ولی ترقیمه کاتب بیانگر سال ۸۸۴ هـ. ق. است.

۵- نسخه عکسی شماره ۴۰۷۷ (میکروفیلم شماره ۶۱۱۶)، محفوظ در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، دارای خط نستعلیق، کاتب: درویش علی نبوی، تاریخ کتابت: جمعه نیمه رجب ۱۰۸۷ هـ. ق.، محل کتابت: دمشق، کاغذ استنبولی، سرفصلها و نشانه‌ها با سنگرف، جلد: تیماج قهوه‌ای، ۱۰۸ برگ، ۱۷ سطری، در اوایل نسخه افتادگی دارد.

شایان ذکر است که احمد گلچین معانی در مقاله «شروح گلشن راز» (ص ۷۲) مینویسد: «در فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (ج ۱۳، ص ۳۰۵۶) نسخه شماره ۴۰۷۷ مورخ رجب ۱۰۸۷ هـ. ق. شرح

نخجوانی شناخته شده‌است. ولی چنین نیست، چه که آغاز شرح مزبور برابر است با شرح احمد بن موسی، ولی متن شرح نه با شرح نخجوانی برابر است و نه با شرح احمد بن موسی. «این نسخه در فهرست دنا (ج ۶، ۱۰۲۴) نیز در زمره نسخ شرح شیخ بابا نخجوانی بر گلشن راز معرفی گردیده است، اما در فهرست فنخا (ج ۲۰، ص ۵۹۵) به دلیل هماهنگی آغاز و انجام آن با کار احمد بن موسی، جزو نسخه‌های شرح احمد بن موسی ذکر شده، با این حال، نگارنده فهرست فنخا در ادامه مطلب خود مینویسد: «این نسخه ما چنانکه آقای باستانی در ص ع نوشته، از همین نخجوانی است، بندهای متن در آن پس از «قوله» میاید و سپس شرح آنهاست.»

نکته قابل توجه این که طی بررسی بیشتر نسخه یاد شده و مقایسه دقیق تمام صفحات آن با نسخ متعدد شرح احمد بن موسی، از جمله نسخه شماره ۲۲۵۷ کتابخانه ملی ملک، این نتیجه حاصل گردید که صرف نظر از چند ورق افتادگی، آغاز نسخه عکسی ۴۰۷۷ (میکروفیلم ۶۱۱۶) دانشگاه تهران و بقیه صفحات آن به طور دقیق با صفحه اول و صفحات دیگر سایر نسخه‌ها مطابقت میکند. بنابراین نسخه مذکور نیز بدون هیچ تردید یکی دیگر از نسخ شرح احمد بن موسی به شمار میاید. باید متذکر شد که شاید چند ورق افتادگی پس از صفحه اول نسخه یاد شده و عدم تطابق صفحات بعدی آن با اوایل نسخه‌های شرح احمد بن موسی، فهرست نگاران رادر تشخیص آن دچار خطا نموده‌است.

۶- نسخه شماره ۱۱۸۹ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز، دارای خط نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: قرن ۱۲ هجری، دارای جدول، ۱۳ سطری، جدول و نشانه‌ها و عناوین با سرنج نگاشته شده‌است، در آغاز افتادگی دارد.

این نسخه در حال حاضر جزو مجموعه مخطوطات کتابخانه آستانه امامزاده علاءالدین حسین (ع) شیراز به شمار می‌رود و با شماره جدید ۴۱۲ در آنجا نگهداری میشود.

۷- نسخه شماره ۱۶۱۵-۱۶۵، متعلق به کتابخانه عمومی آیت الله العظمی گلپایگانی قم، دارای خط نستعلیق، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت: ۱۹ ذی‌قعدة ۱۲۶۱ ه. ق.، مجدول و مذهب با عناوین و نشانه‌های شنگرف، جلد: تیماج قهوه‌ای با ترنج و سرتنج و لچکی، ۱۳۳ برگ، ۱۲ سطری.

تاریخ کتابت نسخه شماره ۲۲۵۷ کتابخانه ملی ملک، در فهرست‌های نسخ خطی (فهرست کتابخانه ملک، ج ۳، ص ۵۱۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ب ۱، ص ۱۲۴۸؛ دنا، ج ۶، ص ۱۰۲۳؛ فنخا، ج ۲۰، ص ۵۹۵)، جمادی الثانیة ۹۸۴ ه. ق. قید شده، حال آنکه در انتهای نسخه مذکور در ترقیمه کاتب، سنه ۸۴۴ ضبط گردیده‌است. شاید منشأ این خطا فهرست کتابخانه ملک بوده باشد و فهرست نویسان دیگر بدون مراجعه به ترقیمه یاد شده، آن تاریخ را عیناً از فهرست کتابخانه ملک نقل کرده باشند. نسخه مزبور کاملتر از نسخه‌های دیگر و از حیث تاریخ کتابت قدیمتر از آنهاست. این نسخه در صفحات زوج دارای شماره صفحه (به ترتیب ۲، ۴، ۶، ۸...) و در همه صفحات فرد دارای رکابه است. ابیات گلشن راز با آوردن کلمه «قوله» که در آغاز هر بند با شنگرف تحریر شده، از مطالب قبلی متمایز میگردد. مصرع‌های ابیات با نقطه‌ای به رنگ سرخ از یکدیگر جدا میشود. همچنین عنوانها و سرفصلهایی که در متن گلشن راز به نام قاعده، تمثیل، سؤال یا جواب تعیین شده، با مرکب شنگرف نوشته شده‌است.



در این نسخه افتادگی‌هایی در برخی از حروف و نقطه‌ها و گاهی سهوالقلم‌هایی نیز دیده می‌شود. اما به طور کلی نسخه کتابخانه ملک از جهت جامعیت و کمال و قدمت بر نسخه دیگر ارجح است. سال ۸۴۴ که در ترقیمه کاتب نامعلوم این نسخه آمده، همان سال پایان یافتن شرح احمد بن موسی رشتی استادی برگلشن راز است و این تاریخ به صورت نظم در ترقیمه یا انجامة شارح نیز آمده است که این ترقیمه در برخی از نسخه دیگر نیز ذکر شده است. یکی بودن تاریخ کتابت نسخه ۲۲۵۷ کتابخانه ملک با تاریخ اتمام شرح احمد بن موسی، احمد سهیلی خوانساری، رئیس اسبق کتابخانه مذکور را بر آن داشته تا وی احتمال دهد که نسخه یاد شده به خط شارح و در واقع همان نسخه مؤلف بوده باشد. چنانکه در ظاهر نسخه به دست خط خود نوشته: «... دور نیست که خط شارح باشد».

## ۲- سبک شناسی :

۲-۱- **سطح زبانی:** آثار نثر عرفانی به سبب آنکه عموماً جنبه تعلیمی داشته‌اند، از تکلفات و عبارات پرداز بهای منشیانه به دور بوده و غالباً از نثری ساده و روان برخوردار بوده‌اند. سیروس شمیسا در این باره می نویسد: «کتب عرفانی همیشه به نثر مرسل بود و اولین کتاب عرفانی که تاحدی مصنوع و در حقیقت فنی موزون است، مرصادالعباد است اما بعد از آن دوباره کتب عرفانی ساده هستند.» (سبک شناسی نثر، شمیسا، ص ۱۸۹). ذبیح الله صفا معتقد است: «ضعف و فتوری که در عهد تیموری یعنی از اواخر قرن هشتم تا اواخر قرن نهم، در ارکان ادب فارسی راه بسته بود، در نثر فارسی بسیار سریع‌تر بود. در این دوره بجز عده‌ای از مترسلان که شیوه قدیم ترسل و انشای دشوار و مزین را حفظ کرده بودند، بقیه غالباً زبان ساده محاوره داشتند. هر چه بیشتر در سالهای قرن نهم پیش بیاییم، هم سادگی سخن را در آثارشان بیشتر می یابیم و هم آثار تحول زبان را در آن آثار بیشتر ملاحظه می‌کنیم.» (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴، ص ۴۶۴-۴۶۵).

زبان کتاب «شرح گلشن راز» رشتی استادی و شیوه نگارش آن رادنباله نثر تعلیمی عرفانی قرنهای گذشته بویژه از نثرهای ساده عصر تیموری می توان به شمار آورد که در آن همانند سایر آثار منشور عهد تیموری به ساختار و گویش کهن پارسی توجه کمتری نشان داده شده، بلکه لغات و ترکیبات عمومی زمان، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که ضعف تألیف و عدم توجه به قواعد دستوری زبان و مسامحات لغوی رایج در متون نثر دوره تیموریان را کامبیش در این اثر نیز میتوان سراغ گرفت. (نیز ر.ک. همان، ص ۴۶۵).

## ۲-۲- سطح ادبی :

۲-۲-۱- **آرایه های بدیعی:** از آنجا که این کتاب از نثرهای تعلیمی صوفیانه به شمار می‌آید و هدف نویسندگان شرح و تقریر مفاهیم و تمثیلات گلشن راز و به نوعی آموزش عرفان نظری بوده است، خود را چندان پایبند اصول بلاغی و زیبایی شناسی سخن نمی‌بینند، اما از موازین زیبایی شناسی نیز بکلی

عاری نیست و نمونه‌هایی از آرایه‌های بدیعی در آن به چشم می‌خورد که به اقتضای کلام و روال طبیعی سخن پیش آمده و خوش نشسته‌است، از قبیل:

- **سجع متوازی:** «علم بی عمل وبال است و عمل بی علم ضلال.» ص ۶۲.

- **سجع متوازن:** «هر چه جلال است، عبارت از قهر است و... و هر چه جمال است، لطف است و...» ص ۲۱۲.

- **ترصیع:** «جهان عالم کبیر است و انسان عالم صغیر.» ص ۱۹۵؛ «جلال او مندرج در جمال، جمال او مندمج در جلال.» ص ۲۳۳.

نویسنده در عبارتهای مسجع زیرهماوایی را به صورتی کاملتر رعایت نموده و علاوه بر ترصیع از جناس و موازنه نیز بهره جسته‌است، مانند: «حقّ بعد عدمیت است و مخلوقیت، وحدّ حقّ معبودیت است و خالقیت.» ص ۱۸۹-۱۹۰؛ «دو جلال را جمال می‌گویند و علو جمال را جلال.» ص ۲۲۹.

- **انواع جناس:**

**جناس اشتقاق:** «بزرگ است از آنکه و اصفان وصف او گویند.» ص ۱۴-۱۵؛ «باید دانست که جواب مصنّف از سؤال سائل مشکلتر است.» ص ۲۱۱.

جناس قلب (مقلوب): «باید دانست که عرش را قلب می‌کنی شرع باشد.» ص ۲۳۵.

جناس مضارع و لاحق: «با سالک و طالب شام آورد و با کامل و اکمل بام.» ص ۲۲۹؛ «حدّ و حقّ» ص ۱۸۹-۱۹۰.

جناس ناقص: «... و مظهر و مظهر از وجهی عین یکدیگرند.» ص ۲۳۸.

جناس زائد: «زمین را اسماء، و آسمان را صفات پرورش می‌کند.» ص ۶۰-۶۱.

- **تضاد و طباق:** «اسماء الله تعالی متقابلند محی و ممیت، پس هادی و مضلّ.» ص ۳۳؛ «... و از وسوسه شیطانی و خاطر او که رحمانی نباشد، دور شود.» ص ۱۳۵؛ «امکان محلّ کثرت است و وجوب محلّ وحدت.» ص ۲۱۰. این آرایه در متن شرح بیشترین کاربرد را به خود اختصاص داده‌است.

یکی از علتهای فراوانی طرد و عکس در زبان متصوّفه، وجود حالاتی است که مقتضی کاربرد تضادّ و متناقض‌نماست. بیشتر طرد و عکسها علاوه بر معنایی که در آنهاست، طرد و عکس لفظی است چون ممکن است مفهومی از مفاهیم عارفانه و امثال آن را بیان کند. (سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، ص ۴۰۸).

- **متناقض نما (پارادوکس):** «تحصیل حاصل» ص ۹؛ «وحدت که وجود وهستی حق است، از کثرت که عالم ویا اعیان ثابته است، ظاهر میشود.» ص ۴۹؛ «... در بیت دوم اثبات نفی همگان می‌کند.» ص ۱۴۲.

- **مراعات نظیر (تناسب):** «... زلف را تمثیل به مرتبه جلال و دیگر خط و خال و ابرو را نیز هم و رخ و عارض و پیشانی و زرخ و امثال اینها تشبیه به جمال کرده‌اند.» ص ۲۲۴؛ «رسول، خدای تعالی، جبرئیل، پیغام» ص ۲۵؛ انبیا، اولیا، کشف، کرامات، اهل الله» ص ۲۶؛ «موسی، عصا، وادی ایمن، درخت آتشین» ص ۳۱.

- **لفّ و نشر مرتّب:** «طهارت درونی و بیرونی که عبارت از شریعت و طریقت است که شعار و دثار است...» ص ۱۱۷.

- **لفّ ونشر مشوئش:** «...مثلاً حیّ و حیات که اسم و صفت است.» ص ۲۳۵.

- **تلمیح:** «در ختم نبوت، رسول (ع) میفرماید که لانیّ بعدی.» ۱۳۱؛ «...وگفت مرا آفریده‌ای از نار و آدم را آفریده‌ای از گل، هرگز جزو اعلیٰ مر جزو اسفل را خضوع و خشوع نمینماید.» ص ۱۶۹.

### ۲-۲-۲- اقتباس از آیات، احادیث، عبارات و امثال عربی:

یکی از مهمترین ویژگیهای این اثر وجود آیات، احادیث، امثال و عبارتهای عربی است و این امر با توجه به موضوع و ماهیت عرفانی آن، اجتناب ناپذیرمینماید. شارح سعی کرده همانند سایر آثار نثر صوفیانه به اقتضای معنا و مضمون در شرح و بسط آراء و اندیشه‌های مصنف (ایات گلشن راز) و مستدلّ و مستند نمودن مطالب و اظهارات خود از آنها فایده برگیرد یا بدان وسیله مفاهیم مورد نظر را تأیید و تأکید نماید. (نیز ر.ک. همان، ص ۳۴۰-۳۴۱) این موضوع درباره درج و تضمین اشعار عربی و فارسی نیز صادق است. گرچه ممکن است این سخن کمی اغراق آمیز به نظر آید؛ اما بررسی دقیق نشان میدهد که اقتباس هیچ یک از موارد یاد شده، آنگونه که در متون نثر فنی و مصنوع دیده میشود، به عنوان زکنی زینتی در نثر این کتاب به شمار نمیآید. (ر.ک. فنّ نثر، ص ۱۹۷) در این اثر اقتباس از آیات قرآن بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است، استفاده از احادیث در مرتبه دوم، عبارات عربی اعمّ از اقوال مشایخ و تعریف اصطلاحات عرفانی و نظایر آن در درجه سوم اهمیت و امثال عربی در پایینترین مرحله اقتباس و تضمین قرار گرفته است. اکثر احادیث نقل شده یا مورد اشاره، از پیامبر اکرم (ص) است و تعدادی از سخنان امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در متن شرح نقل گردیده است.

در این کتاب پیوستن آیه، حدیث و عبارت عربی به عبارت فارسی به سه طریق: ترکیب اضافی ص ۱۹۳، با حرف ربط «که» ص ۴ و بدون حرف ربط «که» ص ۷-۸، ۶۹ صورت گرفته و شیوه‌های اقتباس آیات، احادیث، امثال و عبارات عربی نیز به قرار زیر است:

- **برای تبیین و توضیح:** «و تعریف فکر چنین است که نهایت الفکر حیره» ص ۱؛ «...و در کمال اسمائی میفرماید: یا عبادی آنی اشفقت الیکم.» ص ۵.

در برخی از مواضع نیز مؤلف برای آشکار کردن مفهوم سخن شبستری تنها به آوردن یک آیه یا حدیث یا عبارتی از عرفا بویژه شیخ اکبر، ابن عربی یا یکی دو بیت شعرا از دیگران اکتفا میکند:

« همه از ذات خود پیوسته آگاه وز آنجا راه برده تا به درگاه : یعنی الله تعالی میفرماید که قَدْ عَلِمَ كُلُّ اناسٍ مَشْرَبُهُمْ. » ص ۵۷.

- **به منظور تأیید و تأکید و به شیوه تنظیر و تطبیق و استشهداد:** «[جاهل] از کمال جمعیت بازمانده و هر که با اونشیند، البته به پای میبَرَد و از کمالات محروم میگردد.» بزرگ دین چنین فرموده است: النَّاسُ عَلَى الدِّينِ رَفِيقُهُمْ» ص ۲۶۵-۲۶۶؛ «دل انسان کامل به وجه الله مناسبت دارد

از جهت جامعیت، والله تعالی در دل انسان کامل است بدین معنی که خدای تعالی میفرماید که وَ وَسَعَنِي قَلْبُ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ. ص ۲۳۸-۲۳۹.

- برای تکمیل معنی عبارت فارسی (چنانکه آیه، حدیث یا عبارت عربی به عنوان بخشی از جمله فارسی تلقی گردد): «...و حیرت محمود، اهل الله راست از برای معاد به حقیقت اصلی خود که منه بدأ و الیه یعود دال بر آن است.» ص ۲.

- به شیوه تلمیح و حل معانی اخبار و آیات (به صورت اشاره به یک یا چند کلمه مشخص و برجسته آیه، حدیث، مثل و عبارت عربی چنان که معلوم شود مضمون آنها مورد توجه نویسنده بوده است، و این قسم از فنی ترین نوع اقتباس به شمار می‌رود). (ر.ک. همان، ج ۱، ص ۲۰۶-۲۰۷)، مانند: «مقام نبی(ع) برزخ کبری بود وقاب قوسین احدیت و...» ص ۱۲۷؛ «قطع تعلقات کرده و خدا را شناخته و کلّ لسان بوده.» ص ۲۵۶.

آیات، احادیث، امثال، عبارات و اشعار عربی و فارسی، گاه به صورت جمله معترضه یا جمله ربطی توضیحی (که عمدتاً در نقش دستوری صفت، قیدحالت یا صفت حالیه و قیدعلت هستند)، در متن شرح به کار رفته‌اند و در مواردی هم نقش متمم، مسندالیه، مسند و مفعول صریح را ایفا می‌کنند و به جهت آنکه غالباً جنبه نقل قول دارند، نقش دستوری اخیر چشمگیرتر است.

۲-۲-۳- درج و تضمین اشعار فارسی و عربی: در متن شرح تعداد ۹۹ بیت غیر مکرر از اشعار فارسی اقتباس و درج گردیده که بیشترین تعداد اقتباس به اشعار مولانا جلال‌الدین بلخی تعلق دارد و اشعار دیگر به ترتیب از فخرالدین عراقی، عطّارنیشابوری، صدرالدین قونوی، شمس مغربی، اوحدالدین کرمانی، ابوسعید ابوالخیر، سعدی، شاه نعمت الله ولی و مشایخ ناشناس چون پیر خیرالدین و شیخ کمال است. در این اثر جمعاً پنج بیت شعر عربی اقتباس شده که دو بیت از محیی‌الدین ابن عربی، یک بیت از ابن فارض و دو بیت بدون ذکر نام سراینده نقل شده است. این اشعار معمولاً جهت توضیح و تبیین ابیات گلشن راز و سخنان خود شارح یا برای تأیید و تأکید مطالب قبل به کار گرفته شده است.

#### ۲-۲-۴- شگردهای بیان و وجوه معانی:

تمثیل، مثال و روایت: فراوانی و اهمیت این عناصر را در نثرهای صوفیانه میتوان از جهات گوناگون مانند از خشکی به لطافت گراییدن زبان نویسنده و صبغه تخیل گرفتن آن، ایجاد تحرک در مباحث تعلیمی با بخشیدن حالت روایی به آن، حسّی و ملموس کردن مفاهیم مجرد و تجربه‌های عرفانی برای آسان فهمی و آسان پذیری آنها از سوی مخاطبان دانست. (سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، ص ۴۸۹-۴۹۰)

پل نو یا معتقد است که نمادها و تمثیلهای به وجود آورنده زبان اشارت است که در نظر صوفیان تنها زبان معتبر در بعضی سطوح مراتب است و صوفی از طریق آنها چیزی درباره تجربه‌های عرفانی میگوید که به یاری اصطلاحات نمیتوان گفت چون اصطلاحات وافی به مقصود نیست. صوفی از طریق تمثیلهای

میکوشد تا به عناصر روحانی تجربه‌های عرفانی خود و دیگران هیأتی ملموس بخشد. تمثیل غالباً مثل است و مفهوم آن را می‌توان در بیشتر موارد به زبان انتزاعی ترجمه کرد. قرآن این تمثیلات را امثال مینامد، یعنی تشبیهاتی که هدف آنها اساساً تعلیمی است. (تفسیرقرآنی و زبان عرفانی، ص ۲۶۶-۲۶۷)

رشتی استادی نیز با در نظر گرفتن اهداف و انگیزه‌های مذکور در جای جای سخن خود از شگردهای تمثیلی مانند جمله‌های حکمت آمیز، حکایات، داستانهای پیامبران، قصه‌های مشایخ و روایات دینی به عنوان تمثیل بهره جسته است، مثال: «هرچه آن خسرو کند، شیرین بود.» ص ۱۳۲؛ «المُسْتَشْهِدُ یُخْطِی وَ یُصِیْبُ» ص ۹۹؛ «هر که را یرقان شد، همه عالم را زرد میبیند. کافر همه را به کیش خود پندارد.» ص ۲۶۰؛ «فِی الْخُلِّ حَلٌّ وَ فِی الْمُرِّ مَرٌّ» ص ۳۵؛ حکایت فیل در تاریکی از منوی مولوی ص ۳۸؛ جرم آفتاب و شعاع آنص ۳۵؛ انداختن سیب در حوض آب ص ۸۹؛ مُشْک و صندوق ص ۱۸۶، تمثیل خالقیّت خلق به کوزه گر که خم و سبو و کوزه و کاسه از گل می‌سازد و خالقیّت خدای تعالی که انسان اکمل و انسان کامل و سالک و انسان ناقص را خلق میکند. ص ۸۲-۸۳؛ به ظلمات رفتن خضر (ع) با اسکندر و نوشیدن آب حیات که تمثیلی از بقاست. ص ۲۱۸-۲۱۹؛ کور مادرزاد که همه چیز را سیاه میداند، تمثیل برای فرد منکر حقیقت ص ۱۴۲؛ آفتاب و سایه تمثیل برای پیامبر (ص) و سایر انسانها ص ۱۲۹.

- **تشبیه:** معمولاً یکی از طرفین تشبیه از امور محسوس است و غالباً تشبیهات به صورت اضافه تشبیهی (اضافه مشبّه به به مشبّه یا تشبیه مؤکّد) میباشد که بلیغتر از سایر انواع آن (مرسل، مفصل و مجمل) است، مانند: قافِ قدرتص ۳، صدفِ علمِ ظاهری ص ۱۷، دُرّ معرفه الله ص ۱۷، سلک کتابت ص ۹۲، قید تعلقاتص ۱۰۵، نور عشقص ۱۴۴، بحر وجودص ۱۵۷، دریای احدیتص ۱۷۶، گرد ممکناتص ۲۶۵، بحر نیستیتص ۲۷۷، گُلِ وصال ص ۱۳۳. تشبیهات مورد استفاده مؤلف اغلب از نوع تشبیهاتی است که در متون ادبی و عرفانی قدیم به کار رفته اما گاه نوآوریهایی نیز در آنها دیده میشود، مانند: قافِ قدرت، صدفِ علمِ ظاهری، دُرّ معرفه الله، گُلِ وصال و تشبیه انسان اکمل به خواجه و انسان ناقص به غلام ص ۱۱۵. از لحاظ فواصل طرفین نیز اغلب از نوع تشبیه مفروقد، مانند: «حقیقت همچو کهریاست و جسم تو همچو کاه.» ص ۷۰؛ «وجود نبیّ همچون خورشید اعظم است و وجود دیگران بیا همچون سایه.» ص ۱۲۶.

- **تشخیص و جان بخشی:** «ناگاه دید که درختی میآید آتش برافروخته، نزد موسی (ع) آمد. از او پرسید که من انت؟ قال آئی انالله رب العالمین...» ص ۲۴۰.

- **استعاره:** از میان انواع استعاره، مؤلف توجه خاصی به استعاره مکنیه دارد: در نامرادی کوفتن (نامرادی به خانه تشبیه شده است) ص ۶۴؛ در سلک کتابت در کشیدنص ۹۲؛ در سلک نظم در کشیدن (کتابت و نظم به گردنبندها یا دستبند تشبیه شده که دارای سلک یا رشته اند.) ص ۲۰؛ دل‌های طالبان وصال، زلال آند [از مرتبه جلال.] (مرتبه جلال به چشمه‌ای تشبیه شده که به دل‌های طالبان صفا و زلالی می بخشد.) ص ۲۲۶.

- **کنایه:** کنایه‌های به کاررفته در این کتاب عموماً از نوع کنایهٔ قرینند، مانند «وقطع تعلقات کرده و خدا را شناخته و کلّ لسان بوده. ص ۲۵۶؛ «دیر دین (کنایه از مقام حقیقت) ص ۲۸۰؛ عقدِ بندگی در میان جان بستن (کنایه از بندگی مخلصانهٔ خدا) ص ۲۸۳؛ به هم برآمدن (کنایه از ناراحت و غمگین شدن) ص ۶۵.

- **اطناب:** یکی از مختصات نثرهای تعلیمی بویژه شروح، اطناب است. شرح احمد بن موسی نیز از این قاعده مستثنا نمیباشد و اطناب در آن به دو شکل زیر وجود دارد که اکثر موارد اطناب از نوع ایضاح بعدالابهام است.

*الف: آوردن مترادفات:* «هرجا که مرتبهٔ جلال میآید، سرّ و راز و ستر و خفا و کمون صفت اوست.» ص ۲۲۴.

*ب: ایضاح بعدالابهام (تفصیل بعد از اجمال):* «عبادت بر سه نوع است: عبادت عام و عبادت خاصّ و عبادت اخصّ الخواص. عبادت عام از بیم دوزخ و به امید بهشت و عبادت خاصّ از برای درستی نسبت باشد با حقّ در سلوک طریقت و عبادت اخصّ الخواصّ آن است که مشاهده فرماید که قایمند به حقّ در بندگی و تعبد.» ص ۱۱۴.

## ۲-۳- سطح فکری:

در بخشهای گذشته به اقتضای موضوع به برخی از ویژگیهای فکری مؤلف و اثر وی اشاره کردیم. در جمع بندی کلی آنچه از متن شرح برمی آید، از وسعت آگاهی شارح و تبخّر وی در علوم متداول روزگار خود مانند لغت، ادب، تاریخ و قصص انبیا، تفسیر قرآن، حدیث، کلام، فلسفه، عرفان، منطق، نجوم و جزآن حکایت میکند که از آن دانشها در شرح ابیات گلشن راز بهره جسته است. رشتی استادی در عرفان نظری از پیروان عقاید و افکار ابن عربی بوده و اندیشه‌های شیخ اکبر و پیروانش به طور قابل ملاحظه‌ای در کتاب او انعکاس یافته است. مباحثی چون وحدت وجود، تجدد اکوان، اعیان ثابت، ویژگیهای انسان ناقص، سالک، کامل و اکمل، نبوت، رسالت، ولایت، حضرات خمس، اسما و صفات حقّ و... از عمده ترین موضوعات مورد توجه ابن عربی است که در کتاب رشتی استادی نیز محور بحث قرار گرفته است. (ر.ک. شرح گلشن راز، نسخهٔ خطی شمارهٔ ۲۲۵۷ کتابخانهٔ ملک، ص ۵، ۷، ۸، ۱۲، ۲۶، ۳۶، ۴۰، ۵۰، ۵۸، ۸۲، ۹۰، ۹۸، ۱۰۲، ۱۱۱، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۵، ۲۳۸ و...)

یکی دیگر از ویژگیهای فکری شارح و محتوای اثر او را بهره گرفتن از حکایات آموزندهٔ اخلاقی و عرفانی و سخنان پیامبران، حضرت علی (ع)، علما و مشایخ صوفی مانند امام محمد غزالی، جنید بغدادی، بایزید بسطامی، صدرالدین قونوی، ابوسعید ابوالخیر، عبدالرزاق کاشانی، اوحدالدین کرمانی، فخرالدین عراقی، شمس مغربی و به طور چشمگیر از سخنان محیی‌الدین ابن عربی و نیز استفاده از داستانهای مربوط به زندگی و سیرهٔ عملی پیامبران و اولیای خدا میتوان یاد کرد. (ر.ک. همان، ص ۱۴، ۹، ۲۴، ۴۶، ۹۹، ۵۸، ۲۱۵، ۹۳، ۱۱۱، ۱۰۸، ۱۰۲، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۸۸،

۲۴۴، ۲۴۵، ۸۷، ۹۰، ۱۰۵، ۲۶۴، ۱۲۶، ۱۰۷، ۶۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۶۹، ۷۰، ۲۲۳، ۲۷۵، ۲۷۴، ۲۷۷، ۱۲۵، ۸۸، ۱۱۴، ۱۰۸، ۱۵۲، ۱۱۸)

۲-۳-۱- **تأویل**: تأویل در لغت از ماده «أ و ل» برگرفته شده و این ریشه دو معنای اصلی دارد یعنی آغاز و پایان چیزی. بنابراین برخی از لغت شناسان مراد از تأویل را آشکار کردن سرانجام یک چیز یا آنچه یک چیز بدان باز می گردد، دانسته اند و تأویل کلام را باز گرداندن سخن به آغاز یا بیان غایت مقصود آن معنی کرده اند. (ر.ک. تأویل، ص ۳۱۳؛ مفردات راغب اصفهانی، ص ۳۱)

تأویل درمقابل تفسیردر روایات اسلامی معنایی اصطلاحی یافته که مراد از آن، تفسیرنمادی یا باطنی است. (تفسیرقرآنی و زبان عرفانی، ص ۳۱) درمیان مسلمانان، ارباب مذاهب و فرقه های گوناگون، کم یا زیاد همه به دلایلی به نوعی تأویل و بویژه تأویل آیاتی از قرآن روی آورده اند. یکی از گروههایی که به تأویل توجه فراوان دارند و در این عرصه نه تنها قرآن و حدیث بلکه بسیاری از امور شرعی چون عبادات و بسیاری از امور را که در ظاهر ارتباطی به شرع ندارد، تأویل کرده اند، صوفیان و عارفانند. (سبک شناسی نثرهای صوفیانه، ص ۲۷۳) احمد بن موسی نیز همانند برخی از اهل تصوف به تأویل گرایش داشته و در کتاب اوشاهد فراوانی از تأویل یافت میشود، از قبیل:

- **تأویل آیات قرآن**: «الله الذی خلق سبع سموات ومن الارض مثلهن: ومراد به آسمان سبع، هفت اسم خدای تعالی است ومراد به هفت زمین، صفات سبع است... عبارت از اسما، حی و علم و مرید و قادر و سمیع و بصیر و متکلم، و اشارت به صفات سبعة، حیات و علم و ارادت و قدرت و سمع و بصرو کلام است.» ص ۶۰-۶۱، و در تأویل آیه شریفه «وکان عرشه علی الماء» آب را علم شرع میدانند. ص ۲۳۵.

- **تأویل حدیث**: «انا اسلمت الشیطانی بیدی: اهل ظاهر عبارت از شیطان همین شیء خارجی را میگویند و اهل تحقیق طبیعت را میگویند که امکان عبارت از اوست.» ص ۱۲۹.

- **تأویل برخی عناصر و اعتقادات دینی**: «علماء ظاهر چنین فرموده اند که نبی(ع) ظل الله است و هستی حق همچو آفتاب، پس سایه را سایه نمی باشد و اهل الله گفته اند که رسول (ع) مظهر اسم الله است و الله اسم ذات است و هر جا که اسم ذات آمد، صفات و افعال را وجودی نیست و سایه از صفات و افعال است.» ص ۱۲۷.

- **تأویل عناصر شعری و تغزلی**: «زلف» به تجلی ذاتی، «خال» به تجلی صفاتی، «خط» به تجلی افعالی، «شراب» نیز به تجلی، «شمع» به نور الله و «شاهد» به محبوب حقیقی تأویل شده است. ص ۱۹. در جای دیگر «رخسار» را به وجه الله ص ۲۳۴ و «خرابات» را به فنای بشریت ص ۲۴۰ تأویل نموده است.

- **تأویل بعضی اصطلاحات صوفیانه:** جابلقا اول مشرق است که پیشتر ازو چیزی نیست و در اصطلاح قوم، مرتبه روح محمدی است (ع) که اول ما خلق الله روحی، و جابلسا آخر مغرب است که کنایه از جسم نبی است (ع). ص ۵۹-۶۰.

- **تأویل عناصری از داستانهای پیامبران:** در داستان نوح (ع) «آب» را علم که معجز نوح (ع) باشد، دانسته و «در کشتی نشستن نوح» را چنین تأویل میکند که نوح جسم خود را شناخته بود. «هلاکت کفار و منکران دعوت نوح» را جاهل ماندن آنان و «نجات یافتن پیروان او و حیات و بقای ایشان» را روی آوردن به علم و دانایی آنها تعبیر مینماید. ص ۱۰۹.

### ۳- نتیجه:

۱- درباره رشتی استادی اطلاع دقیق و مبسوطی در دست نیست جز آن که در فهرستهای نسخ خطی و بعضی آثار دیگر در ضمن معرفی شروح گلشن راز، شرح وی را انجام یافته در سال ۸۴۴ هـ.ق. دانسته‌اند.

۲- شرح گلشن راز، نوشته احمد ابن موسی رشتی استادی یکی از قدیمترین شروح آن منظومه است که در نیمه اول قرن نهم هجری (سال ۸۴۴) به نگارش درآمده است و علاوه بر آن دواثر دیگر یعنی شرح جام جهان نمای شمس مغربی و شرح ترجیع بند اوحدالدین کرمانی از او برجای مانده است.

۳- تاکنون درباره احوال و آثار رشتی استادی پژوهشی صورت نگرفته و هیچ یک از تألیفات او نیز به چاپ نرسیده است. علت این امر را شاید بتوان شهرت مفاتیح الاعجاز لاهیجی به عنوان مهمترین و کاملترین شرح گلشن راز در میان صاحب نظران و سیطره سایه وزین آن بر تحقیقات عرفانی بویژه در زمینه گلشن راز دانست.

۴- شرح احمد بن موسی بر گلشن راز در میان آثار نثر صوفیانه جزو نثرهای تعلیمی صوفیه به شمار میرود که به قصد تعلیم اصول و مبانی اعتقادات دینی و عرفانی بر مبنای متن گلشن راز شبستری تألیف شده است. این اثر بیشتر ویژگیهای متون نثر صوفیانه را در برمیگیرد که به اختصار عبارتند از: سادگی زبان، فراوانی آیات و احادیث در آنها، وفور کاربرد قصه و حکایت و تمثیل به عنوان قالبی برای معانی، توجه به سرگذشت انبیا و اولیا و احوال مشایخ، استفاده زیاد از اصطلاحات دینی و عرفانی و فلسفی و کلامی و غیره، اقتباس از شعر عربی و فارسی، هماهنگیهای آوایی و واژگانی در جمله‌ها و عبارتهای موزون، پرداختن به مباحثی چون صفات خدا و مبحث وحدت و کثرت و توحید و وحدت وجود، توجه به باطن و اهمیت دادن به تأویل و داشتن دید تأویلی و باطنی، فراوانی صور خیال و بسیاری کلمات و مقوله‌های متضاد و کاربرد مجاز و کنایه و تشخیص که باعث زیبایی اینگونه نثرها و وجود جنبه شاعرانه در آنها میگردد. (ر.ک. سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه، ص ۶۲-۶۳، ۲۴۹-۲۵۰، ۲۷۳-۲۸۲، ۲۸۵-۲۸۸) در مقاله حاضر در مورد ویژگیهای مذکور، سخن گفته شد و تا حد مقدور



شواهدی نیز از شرح گلشن راز ارائه شد، اما به دلیل پرهیز از اطالۀ کلام از ذکر شواهد و نمونه‌های دیگر متون نثر صوفیانه خودداری گردید.

۵- زبان نثر این کتاب صرف نظر از برخی اصطلاحات فلسفی، کلامی و غیره، دنباله نثر ساده و صوفیانه قرنهای گذشته به شمار می‌آید و شماری از مختصات نثر دوره تیموری نیز در آن مشاهده می‌گردد، مانند: کم توجهی به ساختار کهن زبان پارسی و به کاربرد لغات و ترکیبات عمومی زمان که غالباً عربی بوده است، ضعف تألیف و مسامحات لغوی و دستوری که نمونه‌هایی از آن در بخشهای ویژگیهای صرفی و نحوی ذکر شد. از جمله: آوردن ضمیر غیر ذیروح برای انسان و ضمیر شخصی برای غیر انسان، آوردن حرف نفی با فعل منفی در جمله، کاربرد فعل مفرد و فعل جمع برای مبهمات مفرد، آوردن فعل جمع برای اسم جنس مفرد و نظایر آن.

۶- مؤلف در این کتاب در عین سادگی و روانی جمله‌ها، همانند بسیاری از نثرهای صوفیانه از لغات و ترکیبات عربی بطور چشمگیر بهره گرفته است. در کاربرد لغات و ترکیبات نیز بجز مواردی نادر، نوآوری دیده نمی‌شود.

۷- مهمترین ویژگیهای نحوی این اثر کاربرد وجه اخباری (بویژه استعمال زمان مضارع)، حذف فعل به قرینه لفظی و تقدیم و تأخیر ارکان جمله است.

۸- در این اثر برای روشن ساختن مفاهیم تمثیلات و افاده معانی اشعار شبستری از آیات، احادیث، اخبار و روایات انبیا و اولیای طریقت، سخنان مشایخ صوفی، دانشهای گوناگون، شگردها و آرایه‌های ادبی استفاده شده است.

۹- احمد بن موسی در شرح خود شدیداً تحت تأثیر مشرب فکری محیی‌الدین بن عربی بوده و سخنان زیادی از وی (بویژه از کتاب فصوص الحکم) و پیروانش مانند عبدالرزاق کاشانی، اوحدالدین کرمانی، صدرالدین قونوی، فخرالدین عراقی و شمس مغربی برای شرح و تفسیر گلشن راز نقل کرده است.

#### منابع :

- ۱- قرآن کریم: ترجمه الهی قمشه‌ای مهدی، تهران، کتابخانه سنائی و دارالقرآن الکریم، بی تا.
- ۲- آتشکده آذر: آذربیدگدلی لطفعلی بیگ، با تصحیح و تحشیه و تعلیق سیدحسن سادات ناصری، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۳۶-۱۳۳۸.
- ۳- ارغنون (رجال آذربایجان): تربیت محمدعلی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز، نشر ابو، چاپ اول، بی تا.
- ۴- از سعدی تاجامی (تاریخ ادبی ایران) براون ادوارد، ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۵- الاعلام: الزکلی خیرالدین، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۰م.
- ۶- تاریخ ادبیات در ایران: صفا ذبیح الله، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۸.

- ۷- تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی: نفیسی سعید، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۴۴.
- ۸- تأویل: طارمی حسن، دانشنامه جهان اسلام، به سرپرستی غلامعلی حدادعادل، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۰.
- ۹- تذکره هفت اقلیم: رازی امین احمد، تصحیح سید محمدرضا طاهری، تهران انتشارات سروش، ۱۳۸۹.
- ۱۰- تسامحات ادبی: سمیعی کیوان، مجله یادگار، سال ۲، شماره ۲.
- ۱۱- تفسیر قرآنی و زبان عرفانی: نویا پل، ترجمه اسماعیل سعادت، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جستجو در تصوف ایران: زرین کوب عبدالحسین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- ۱۳- دانشمندان آذربایجان: تربیت محمدعلی، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۱۴- دستور تاریخی زبان فارسی: ابوالقاسمی محسن، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۵.
- ۱۵- دستور تاریخی زبان فارسی: ناتل خانلری پرویز، به کوشش عفت مستشار نیا، تهران، انتشارات توس، ۱۳۷۳.
- ۱۶- دستور مختصر تاریخی زبان فارسی: فرشیدورد خسرو، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۹۰.
- ۱۷- دیوان شمس مغربی: مغربی محمدشیرین، تحقیق و بررسی سیدابوطالب میرعابدینی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸.
- ۱۸- روضات الجنان و جنات الجنان: کربلایی تبریزی حافظ حسین، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان‌القرایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴ و ۱۳۴۹، ۲ ج.
- ۱۹- ریاض العارفین: هدایت رضاقلی خان، تصحیح مهر علی گرکانی، تهران، کتابفروشی محمودی، بی تا.
- ۲۰- سبک‌شناسی نثر: شمیسا سیروس، تهران، نشر میترا، ۱۳۷۶.
- ۲۱- سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه: غلامرضایی محمد، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۸.
- ۲۲- سخنوران آذربایجان: دولت آبادی عزیز، تبریز، مؤسسه تاریخ و فرهنگ ایران، ۱۳۵۵.
- ۲۳- سفینه تبریز: تبریزی ابوالمجد محمد بن مسعود، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ۲۴- سیری در تصوف آذربایجان: موحد صمد، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۹۰.
- ۲۵- شرح گلشن راز: رشتی استادی احمد بن موسی، نسخه خطی شماره ۲۲۵۷ کتابخانه و موزه ملی ملک.
- ۲۶- -----: -----، نسخه خطی شماره ۱۰۰۴۶ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۷- -----: -----، نسخه خطی شماره ۱۲۰۲ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۲۸- -----: -----، میکروفیلم شماره ۲۲۶۱ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۲۹- -----: -----، نسخه عکسی شماره ۴۰۷۷ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۳۰- -----: -----، میکروفیلم شماره ۶۱۱۶ کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران.
- ۳۱- -----: -----، نسخه خطی شماره ۱۱۸۹ کتابخانه علامه طباطبایی شیراز.
- ۳۲- -----: -----، نسخه خطی شماره ۱۶۱۵-۱۶۵، کتابخانه عمومی آیت الله گلپایگانی قم.
- ۳۳- شروح گلشن راز: گلچین معانی احمد، نشریه نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، زیر نظر محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، دفتر چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۴.
- ۳۴- فراسوی ایمان و کفر شیخ محمود شبستری: لویزن لئونارد، ترجمه مجدالدین کیوانی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۵.

- ۳۵- فنّ نثر: خطیبی حسین، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۶.
- ۳۶- کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون: چلبی کاتب (حاجی خلیفه)، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ هـ. ق.
- ۳۷- فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا): درایتی مصطفی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- ۳۸- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک: افشارايرج ودانش پژوه محمدتقی باهمکاری محمدباقر حجتی و احمد منزوی تهران، ۱۳۶۱، ج ۳ (بخش اول).
- ۳۹- فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنا): درایتی مصطفی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱.
- ۴۰- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان: منزوی احمد، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۳.
- ۴۱- فهرست میکروفیلیم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: دانش پژوه محمدتقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۸.
- ۴۲- فهرست نسخه‌های خطی فارسی: منزوی احمد، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، ۱۳۴۹.
- ۴۳- فهرستواره کتابهای فارسی: -----، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- ۴۴- لغتنامه: دهخدا علی اکبر وهمکاران، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، سازمان لغتنامه، ۱۳۶۰.
- ۴۵- مجموعه آثار شبستری: شبستری شیخ محمود، با مقدمه و تصحیح و توضیحات صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۵.
- ۴۶- معجم المطبوعات العربیه والمعرّبه: سرکیس یوسف البیان، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ق.
- ۴۷- معجم المؤلفین: کخاله عمر رضا، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۴۸- المفردات فی غریب القرآن: راغب اصفهانی ابوالقاسم حسین بن محمد، تحقیق محمد سید کیلانی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
- ۴۹- مؤلفین کتب فارسی و عربی: مشارخانابا، تهران، ج ۱، چاپخانه رنگین، ۱۳۴۰ و ج ۳، چاپخانه ارژنگ، ۱۳۵۲.
- ۵۰- نفحات الانس: عبدالرحمن جامی، با مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۸۶.
- ۵۱- هدیة العارفین، اسماء المؤلفین و آثار المصنّفین: بغدادی اسماعیل پاشا، به اهتمام قاسم محمدالرجب، بغداد، مکتبه الحنفی، ۱۹۵۱-۱۹۵۵ م.